مجله اقتصادی
شماره‌های ۱۱ و ۱۲ بهمن و اسفند ۱۳۹۳، صفحات ۳۸-۱۷

بررسی نقش آزادی انتقالات ارزی در تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری میان ایران و سایر کشورها

گلدیس فرزین راجیری
دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس
fiona_gf@yahoo.com

هدف از این مقاله آن است که نشان دهیم هنگامی‌که انتقالات ارزی با آزادی بیشتری صورت گیرد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز در فضای اقتصادی بیشتر خواهد بود و بالعکس محدودیت‌های انتقالات ارزی موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاران خارجی شده و تعداد آنها را کاهش می‌دهد. گرچه آزادی انتقالات ارزی یکی از عوامل مهم تشویق سرمایه‌گذاری خارجی است، اما معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری (BITs) ایران با سایر کشورها ظرفیت حقوقی یکسانی را در این رابطه ایجاد نمی‌کند و تابعی است از این عوامل که کشور طرف B.I.T با ایران توسعه‌یافته باشد یا در حال توسعه و اینکه ایران صادرکننده سرمایه است یا پذیرای سرمایه‌گذاری و نیز تا چه حد به سرمایه‌گذاری اتباع کشور طرف قرارداد نیاز دارد. بنابراین، پذیرش آزادی انتقالات ارزی و شرایط آن در هر یک از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران متفاوت است. علاوه بر این، در پی بررسی محدودیت‌های مقرر برای انتقالات ارزی در چارچوب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری (BITs) منعقده بین ایران و سایر کشورها هستیم و تأثیر این محدودیت‌ها را بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. محدودیت‌هایی مانند الزام به استفاده از ارز خاص، نوسان نرخ ارز، وجود ارز با نرخ‌های متفاوت در کشور میزبان، محدودیت در خروج ارز از نظر میزان آن یا الزام به ارائه تسویه مالیاتی جهت خروج عواید حاصل از سرمایه‌گذاری، الزام به رعایت تشریفات بانکی در خروج ارز بدون قید حداکثر مدت یا تأخیر میزبان در ارائه ارز مورد نیاز از محدودیت‌های مربوط به انتقالات ارزی است که جذب و جلب سرمایه‌گذاران خارجی یا تداوم سرمایه‌گذاری آنها را با مشکل مواجه می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، انتقالات ارزی، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، آزادی و محدودیت انتقال ارز.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

۱. مقدمه

منظور از ارز هر ابزاری است که به‌صورت اسکناس، حواله یا چک در مبادلات خارجی جهت پرداخت‌ها استفاده می‌شود و منظور از نرخ ارز خارجی مقداری از واحد پولی ملی است که می‌بایست برای به‌دست آوردن واحدپول کشور دیگر پرداخت شود (شاکری، ۱۳۹۱). همچنین، می‌توان نرخ ارز را ارزش برابری یک واحد پول خارجی به پول داخلی دانست؛ به‌عبارت دیگر بهای خرید یا فروش یک واحد پول خارجی به پول رایج کشور را نرخ ارز می‌گویند.

ارز[1] به پول‌های رایج خارجی اطلاق می‌شود (بشارت، ۱۳۸۹). به‌عبارت دیگر، در هر کشور به پول رایج آن پول محلی[2] و به‌طورکل پول و به پول رایج سایر کشورهای جهان در آن کشور، ارز گفته می‌شود. به این ترتیب اشکال ارز همان اشکال پول است یعنی ارز فقط به اسکناس و مسکوکات سایر کشورها محدود نشده بلکه شامل مانده‌حساب جاری به ارز که از طریق چک یا حواله قابل برداشت و نقل و انتقال است نیز می‌شود (بی‌تا، ۱۳۶۶).

ارزش یا بهای ارز یک کشور برحسب کشور دیگر نرخ ارز نامیده می‌شود. این امر بر اقتصاد و زندگی روزانه تأثیر می‌گذارد، زیرا زمانی که دلار آمریکا نسبت به سایر ارزها ارزشمند یا گران می‌شود کالاهای خارجی برای اتباع آمریکا ارزان‌تر و کالاهای آمریکا برای اتباع سایر کشورها گران‌تر می‌شود. در واقع عکس این رابطه نیز صادق است زمانی که ارزش دلار سقوط می‌کند، کالاهای خارجی برای اتباع آمریکا گران‌تر و کالاهای آمریکا برای خارجیان ارزان‌تر می‌شود (مشکین، ۲۰۰۴). نرخ ارز نیز بین پول‌های ملی کشورهای مختلف ارتباط برقرار کرده و مقایسه قیمت و هزینه‌های بین‌المللی را ممکن می‌سازد. نرخ ارز را می‌توان به‌معنای تعداد واحدهای پول ملی یک کشور که برای خرید یک واحد از پول ملی کشور دیگر لازم است تعریف نمود؛ به بیان دیگر قیمت پول یک کشور برحسب پول کشور دیگر نرخ ارز نامیده می‌شود. در چنین شرایطی واحد پول هر کشور می‌تواند برای تعیین قیمت پول کشور دیگر مورد استفاده قرار گیرد (فرجی، ۱۳۹۰).

۲. انتقالات ارزی

منظور از انتقالات ارزی[3] انتقال کلیه وجوه اعم از وجوه ناشی از عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی و یا سایر وجوهی است که انتقال آن به‌صورت ارز صورت می‌گیرد. قانون تشویق

1. Foreign Currency or Foreign Exchange
2. Local Currency
3. Transfer Foreign Currency

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی (مصوب ۱۳۸۱) در مواد (۱۳)، (۱۴) و (۱۵) انتقالات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به ۳ گروه به‌شرح زیر تقسیم کرده و تشریفات مربوط به قابل انتقال شدن هر یک از موارد زیر را نیز در مواد مربوطه مقرر نموده است:

- اصل سرمایه خارجی و منافع آن یا آنچه از اصل سرمایه باقی‌مانده باشد.
- سود سرمایه‌گذاری خارجی
- پرداخت‌های مربوط به اقساط اصل تسهیلات مالی سرمایه‌گذاران خارجی و هزینه‌های مربوطه، قراردادهای حق اختراع، دانش فنی، کمک‌های فنی و مهندسی، اسامی و علائم تجاری، مدیریت و قراردادهای مشابه در چارچوب سرمایه‌گذاری خارجی.

ماده (۱۷) همان قانون سه منبع تأمین ارز برای انتقالات فوق‌الذکر را به‌شرح زیر ذکر نموده است:

- خرید ارز از نظام بانکی
- از محل ارز حاصل از صدور محصولات تولیدی و یا ارز حاصل از ارائه خدمات بنگاه اقتصادی که سرمایه خارجی در آن به‌کار گرفته شده است.
- صادرات کالاهای مجاز طبق فهرستی که در اجرای این بند با رعایت قوانین و مقررات مربوطه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

بر اساس تبصره ۱ ماده مذکور به‌کارگیری یک یا ترکیبی از روش‌های فوق در مجوز سرمایه‌گذاری خارجی درج می‌گردد و بر اساس تبصره ۳ ماده یاد شده، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است معادل ارزی وجوه قابل انتقال موضوع بند "۱" فوق را با موافقت سازمان سرمایه‌گذاری و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی تأمین کند و در اختیار سرمایه‌گذاری خارجی قرار دهد. به‌علاوه بر اساس مواد (۲۳) و (۲۴) آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور انتقالات ارزی سرمایه‌گذاری‌های خارجی، به‌استثنای ترتیبات قراردادی که مقرر است برگشت اصل سرمایه و سایر انتقالات از محل صادرات کالا انجام شود، از محل ارز خریداری شده از نظام بانکی تأمین صورت می‌گیرد.

۳. انتقالات مربوط به سرمایه‌گذاری در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری

دو هدف اصلی موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری آزادسازی سرمایه‌گذاری خارجی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی تحقق‌یافته است، اما آزادسازی سرمایه‌گذاری خارجی بدون تضمین انتقال آزادانه وجوه مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی مفهومی ندارد. تضمین انتقال آزادانه وجوه ارتباط نزدیکی با حمایت از دارایی‌های سرمایه‌ای نیز دارد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

محدودیت‌های اعمال شده بر انتقال سود و عایدات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های محقق شده بر سر راه حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی مانع ایجاد می‌کند. معاهدات سرمایه‌گذاری مکمل مقررات داخلی سرمایه‌گذاری برای بهبود فضای سرمایه‌گذاری کشورهای میزبان هستند و بر این اساس دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری، قیدهای احتمالی را که در زمینه انتقالات ارزی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در قوانین داخلی دولت‌های طرف معاهده وجود دارد از پیش پای سرمایه‌گذاران متبوع خود بردارند (میرویسی، ۱۳۹۳).

انتقالات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در موافقتنامه‌های دوجانبه تشویق نشده و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری به انتقال سود سالانه ناشی از سرمایه‌گذاری محدود نگردیده و دامنه وسیعی از انتقالات از جمله بازگشت اصل سرمایه و عواید ناشی از آن، بازپرداخت‌های هر نوع وام مربوط به سرمایه‌گذاری انجام شده و پرداخت سود وام، مبالغ حاصل از فروش سهام، مبالغ دریافتی سرمایه‌گذاران در صورت فروش یا تصفیه تمام یا بخشی از سرمایه‌گذاری، حقوق، دستمزدها و سایر حق‌الزحمه‌های کارکنان سرمایه‌گذار که تبعه کشور میزبان نباشند، غرامت‌های پرداخت شده ناشی از مصادره یا سلب مالکیت دولت میزبان، پرداخت‌های ناشی از اختلافات سرمایه‌گذاری و ... را نیز شامل می‌شود. در هر سرمایه‌گذاری مقررات وضع‌شده پیرامون انتقال سرمایه از اهمیت ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاران خارجی برخوردار است، از این‌رو که ایشان انتقال دوره‌ای اصل و سود سرمایه و دیگر پرداخت‌ها را به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در سرمایه‌گذاری خود محسوب می‌کنند. با این‌حال، در جریان رو به رشد اقتصاد بین‌المللی مشترک کشورها می‌بایست قادر به تنظیم متناسب خروج و ورود سرمایه به اقتصاد خویش باشند. اقتصاد برخی از کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، می‌توانند به همان اندازه خروج بی‌رویه سرمایه از کشور در برابر تزریق ناگهانی حجم بالای سرمایه به اقتصاد آسیب‌پذیر باشد.

شرایط انتقالات در ماده (۶) معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان دولت ایران و کویت در خصوص بازگشت و انتقال پرداخت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از احصاء موارد انتقالات وجوه سرمایه‌گذاری ذکر کرد:

- هر یک از طرف‌های متعاهد به سرمایه‌گذاران طرف متعاهد دیگر اطمینان می‌دهد که انتقال آزاد پرداخت‌های مربوط به یک سرمایه‌گذاری به داخل و خارج از قلمرو آن صورت می‌گیرد، این انتقال شامل موارد زیر است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

- سرمایه اولیه و هر نوع سرمایه مازاد برای نگهداری
- مدیریت و توسعه سرمایه‌گذاری
- عواید
- پرداخت‌ها به‌موجب یک قرارداد، از جمله استهلاک اصل و سود متعلقه که به‌موجب موافقتنامه مربوط به وام ایجاد شده است.
- حق‌الامتیاز و کارمزد برای حقوق موضوع جزء (ت) بند "۱" ماده (۱)
- مبالغ حاصل از فروش یا تصفیه تمام یا بخشی از سرمایه‌گذاری
- درآمدها و سایر حق‌الزحمه‌های کارکنان خارجی یک سرمایه‌گذار که در قلمرو طرف متعاهد سرمایه‌پذیر پروانه کار مرتبط با آن سرمایه‌گذاری را اخذ کرده باشد.
- پرداخت خسارت متعاقب مواد (۴) و (۵)
- پرداخت موضوع ماده (۷)
- پرداخت‌های ناشی از حل‌وفصل اختلافات

انتقال پرداخت‌ها به‌موجب بند "۱" بدون تأخیر یا محدودیت‌های غیرموجه و بجز در مورد پرداخت‌های غیرنقدی، به ارزی که آزادانه قابل تبدیل باشد صورت خواهد گرفت. در مورد تأخیر در انجام انتقالات مقرر چنانچه تأخیر به آسانی منتسب به عمل دولت باشد، سرمایه‌گذار متأثر از این تأخیر مستحق دریافت هزینه مالی برای مدت تأخیر خواهد بود.

-انتقالات به نرخ ارز غالب بازار معاملات نقدی در تاریخ انتقال برای ارز مورد انتقال انجام خواهد شد. در صورت فقدان بازار برای ارز خارجی، نرخ قابل‌اعمال جدیدترین نرخ اعمال شده نسبت به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در داخل یا دلار ایالات‌متحده، هر کدام که برای سرمایه‌گذاری مطلوب‌تر باشد، خواهد بود.

- سرمایه‌گذار می‌تواند در خصوص چگونگی بازگشت یا انتقالات موضوع این ماده به نحو دیگری توافق کند.

۴. موانع انتقالات ارزی

تاریخچه انتقالات ارزی میان کشورها به‌ویژه انتقال آزاد جریان سرمایه را می‌بایست در مواد موافقتنامه تعرفه و تجارت گات (GATs) بررسی نمود. بر اساس موافقتنامه گات تعهدات مربوط به انتقال اصل و سود ناشی از سرمایه و نیز بازپرداخت‌های مربوط به وام‌های خارجی از طریق بانک‌های خارجی انجام می‌پذیرد. علاوه‌بر این، جریان آزاد انتقال به

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

داخل و خارج از قلمرو یک کشور و حرکت آزاد سرمایه در عرض مرزهای ملی تضمین گردیده است و بنابراین دولت عضو می‌بایست اجازه انتقال وجوه و انتقال آزاد سرمایه را از طریق بانک‌های خارجی فراهم کند (آنکتاد، ۲۰۰۰). این درحالی است که با توجه به روند تحولات از آن زمان تاکنون برخی کشورها محدودیت‌هایی را به اقتضای شرایط خود در رابطه با انتقالات وضع نموده‌اند که اهم موانع انتقالات ارزی را می‌توان به این ترتیب توصیف کرد:

۴-۱. اقتصادی

۴-۱-۱. کاهش نرخ ارز در کشور میزبان

سقوط نرخ ارز در کشور میزبان به دلایلی مانند رشد اقتصادی، افزایش بهای محصولاتی مانند نفت و طلا و غیره موجب کاهش ارزش ارز در صورت ماندگاری در آن کشور خواهد شد؛ از این‌رو سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد ارز را از کشور میزبان به کشور دیگری برای هرگونه مبادله و معامله خارج کند.

یکی از دلایل اصلی انتقال ارز که اکثراً با آن موافقند، احتمال تغییر (افزایش) در نرخ ارز است. با فرض ثابت بودن سایر عوامل، کاهش انتظاراتی در ارزش پول رایج داخلی (به هر دلیلی که باشد) موجب می‌شود ساکنین دارایی‌های داخلی خود را به دارایی‌های خارجی تبدیل نمایند.

اگر نرخ ارز واقعی جاری کمتر از میزان خود ارزشگذاری شده باشد، انتظار می‌رود در آینده نرخ ارز بیش از حد ارزشگذاری گردد؛ به‌عبارت دیگر پول رایج داخلی در آینده کمتر از حد ارزشگذاری خواهد شد، در نتیجه کاهش رسمی در ارزش پول در آینده قابل پیش‌بینی خواهد بود. در چنین شرایطی ساکنین داخلی از طریق تبدیل ثروت داخلی خود به مطالبات خارجی از ضرر بالقوه سرمایه اجتناب می‌کنند. از آنجایی‌که کاهش رسمی در ارزش پول منجر به کاهش ارزش پس‌اندازهای داخلی می‌گردد، ثروت نیز مجدداً به سمت دارایی‌های خارجی تخصیص می‌یابد و بنابراین پدیده فرار سرمایه و مطالعات انجام شده در مورد فرار سرمایه نشان می‌دهند که بیش از حد ارزشگذاری کردن نرخ ارز حقیقی نقش مهمی را در فرار سرمایه از بدهکارترین کشورها ایفا می‌نماید.

۴-۱-۲. کسری‌های مالی

کسری وسیع مالی که توسط انتشار پول تأمین مالی شده است فشارهای تورمی را به‌وجود می‌آورد. فشارهای تورمی از ارزش دارایی‌های داخلی می‌کاهد و بنابراین گرایشی از سوی ساکنین جهت کاهش دادن موجودی‌های پولی داخلی‌شان به‌وجود می‌آید. دلیل این گرایش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

اجتناب نمودن از فرسایش ارزش دارایی‌ها در نتیجه تورم است. خرید دارایی‌های خارجی یک راه‌حل برای اجتناب از این فشارهای تورمی، یا آنچه را که در اصطلاح مالیات تورمی می‌نامند، می‌باشد. اگر درآمدهای بهره‌ای پس‌اندازهای داخلی کمتر از درآمدهای بهره‌ای ناشی از دارایی‌های خارجی باشد فرار سرمایه تشویق شده و توسعه خواهد یافت.

حتی اگر کسری بودجه دولت از طریق فروش اوراق قرضه و یا استقراض خارجی تأمین مالی گردد، باز هم ممکن است ساکنین داخلی انتظار داشته باشند که درآینده دولت بدهی را به پول تبدیل نماید (از طریق انتشار پول) و یا مالیات‌های اضافی را جهت پرداخت بدهی وضع نماید. این انتظارات همچنین ساکنین داخلی را به کاهش دادن بدهی‌های بالقوه مالیاتی، از طریق حرکت و انتقال دارایی‌ها به خارج از کنترل دولتمردان داخلی، تشویق خواهد نمود و در واقع بخشی از فرار سرمایه‌ها با هدف اجتناب از مالیات‌ها صورت می‌پذیرد؛ بنابراین هنگامی که ساکنین داخلی در انتظار افزایش نرخ‌های مالیاتی هستند یک حرکت پیوسته جهت انتقال دارایی‌ها به خارج از کنترل دولتمردان داخلی (فرار سرمایه) وجود خواهد داشت.

۴-۱-۳. ریسک

اختلاف ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی، یکی دیگر از عوامل انتقال ارز می‌باشد که این عامل به‌دلیل ویژگی‌ها و مشخصات خاص این کشورها است. اکثر کشورهای پیشرفته دارای نظام‌های سیاسی و اقتصادی باثبات و با ترتیبات قانونی مدون و مشخص می‌باشند و همچنین برای رفع مشکلات و انجام معاملات و قراردادها از زیربنای ساختاری لازم برخوردارند، در حالی که کشورهای در حال توسعه از این ویژگی‌ها محروم می‌باشند. به‌عنوان مثال، ساختار مناسب و ترتیبات قانونی جهت حمایت از مالکیت خصوصی وجود ندارد، دوره‌های ثبات سیاسی بسیار کوتاه است و به‌دلیل انقلاب‌ها و کودتاهای نظامی فراوان قوانین به‌طور ناگهانی دستخوش تغییرات عظیم می‌گردد؛ نظیر حذف مالکیت خصوصی، دولتی نمودن بازرگانی خارجی و ایجاد کنترل‌های ارزی شدید. بنابراین با وجود اینکه ممکن است نرخ‌های بازدهی سرمایه‌گذاری در این کشورها بالاتر از کشورهای صنعتی باشد، بر اساس دلایل مذکور باز هم فرار سرمایه وجود خواهد داشت. همچنین می‌بایست ریسک ناشی از ارز خارجی در زمینه انتقالات را به این دسته از عوامل اضافه نمود. در موضوع انتقالات یک اصل مسلم در رابطه با ریسک ناشی از ارز خارجی وجود دارد. اینکه ارز خارجی در واقع به‌عنوان یکی از اشکال تجاری بین طرف‌های قرارداد متضمن مفاهیم اعتباری برای طرفین

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

معامله و داد و ستد است و به این ترتیب انتقالات وجوه و سرمایه خارجی در شکل متداول خود نیز از ریسک ناشی از دلار برخوردار می‌گردد و تغییرات مربوط به نرخ ارز خارجی می‌تواند تعادل معاملات طرفین را به نفع دیگری دگرگون کند (بیشاپ، ۱۹۹۲).

۴-۱-۴. نرخ تورم

افزایش نرخ تورم به‌ویژه هنگامی‌که بیشتر از تورم در سطح جهانی باشد، موجب کاهش ارزش دارایی‌های داخلی می‌گردد. بنابراین به‌دلیل اجتناب از کاهش ارزش دارایی داخلی، افراد به خرید دارایی‌های خارجی یا انتقال سرمایه داخلی به خارج اقدام می‌نمایند.

۴-۱-۵. نرخ رشد اقتصادی

با در نظر گرفتن شرایط یکسان اقتصادی هرچه نرخ رشد اقتصادی کشوری در بلندمدت بالاتر باشد معرف قدرت جذب سرمایه و امکان کسب سود حاصل از سرمایه‌گذاری و بهبود انتظارات آینده است، بنابراین سرمایه‌گذاران سرمایه‌های خود را به آن کشور خواهند فرستاد و این، دلیل انتقال ارز و فرار سرمایه از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته می‌باشد.

۴-۱-۶. نرخ بهره

اگر نرخ بهره داخلی کمتر از نرخ بهره جهانی باشد، سرمایه‌های مالی میل به خروج از کشور خواهند داشت، این عدم توازن شدید بین نرخ بهره واقعی داخلی و بین‌المللی یکی از دلایل عمده فرار سرمایه است؛ زیرا در این کشورها کنترل‌های وسیع و شدیدی بر روی نرخ بهره اعمال می‌گردد و به این دلیل نرخ بهره در یک سطح قراردادی، زیر نرخ واقعی، قرار دارد و یا حتی از نرخ تورم سالانه کمتر است؛ بنابراین عملاً سرمایه داران را تنبیه می‌نماید و بازده منفی به سرمایه آنان تعلق می‌گیرد.

۴-۱-۷. کسب سود

اگر قابلیت سوددهی انتظاری در اقتصاد داخلی کمتر از قابلیت سوددهی انتظاری سرمایه‌گذاری در خارج از کشور باشد، فرار سرمایه شکل می‌گیرد. اگرچه انتظار می‌رود که به‌دلیل عوامل تولید (کار و منابع طبیعی) فراوان و ارزان، ظرفیت‌های ناتمام و خالی زیاد و بازار وسیع، نرخ بازده داخلی در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته باشد، اما متأسفانه این برتری به‌دلیل ریسک، عدم ثبات سیاسی و اقتصادی، فقدان بیمه و تضمین کافی از بین‌می‌رود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

۴-۲. قوانین و مقررات (حقوقی)

دولت‌های برخی از کشورها محدودیت‌ها و مقرراتی بر روی بازارهای مالی داخلی و بازارهای ارز خارجی وضع می‌نمایند. به‌عنوان مثال کشور بولیوی اخیراً مقرراتی را برای بانک‌های آن کشور به تصویب رسانده است که به دولت اجازه می‌دهد بر نرخ سود بانک‌های تجاری خصوصی اعمال‌نظر کند و به این ترتیب دولت می‌تواند سهمیه‌هایی را برای اعطای وام جهت فعالیت‌ها یا بخش‌های خاص منظور کند. برخی از این اقدامات برای وجوه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی محدودیت‌هایی به‌وجود می‌آورد (گزارش جهانی سرمایه‌گذاری، ۲۰۱۴). در تعدادی از کشورهای در حال توسعه کنترل‌هایی بر نرخ‌های بهره، اعتبار و سایر جنبه‌های بازار مالی اعمال می‌گردد که نتیجه آن پایین بودن نرخ بهره اسمی است. در چنین موقعیت‌هایی با وجود وسایل تأمین مالی خارجی و نرخ‌های بهره حقیقی منفی (نرخ بهره اسمی منهای تورم) برای سرمایه‌گذاری داخلی نیازمند دارایی‌های خارجی است که بازدهی‌های بالاتری را حاصل می‌کنند و کاملاً عقلایی و منطقی به‌نظر می‌رسد؛ زیرا در صورتی که قابلیت سوددهی انتظاری در اقتصاد داخلی کمتر از قابلیت سوددهی سرمایه‌گذاری‌ها در خارج باشد فرار سرمایه اتفاق خواهد افتاد. کنترل‌های ارزی، کنترل‌های سرمایه، ممنوعیت‌های قانونی برخی فعالیت‌ها و کالاها که بر روی بازار سرمایه، ارز خارجی و بازار کالاها وضع می‌شوند، به این دلیل که از این کنترل‌ها و ممنوعیت‌ها می‌توان سرپیچی نمود اکثراً موجب فرار سرمایه گردیده‌اند.

۵. محدودیت‌های انتقالات ارزی در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری

۵-۱. تسویه مالیاتی

در برخی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری (BITs)[1] در مورد انتقالات وجوه مربوط به سرمایه‌گذاری، شروط و محدودیت‌های شدیدی در خصوص تسویه مالیات و کلیه تعهدات مالیاتی پیش‌بینی می‌گردد. بند "۱" ماده (۷) موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه[2] در خصوص انتقالات بیان می‌دارد:

1. Bilateral Investment Treaties

۲. موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری با روسیه سال ۱۳۸۶به‌صورت ad referendum توسط نمایندگان دو کشور در مرحله پاراف قرار دارد، اما این پاراف توسط اداره توافق‌های نهاد ریاست جمهوری تأیید گردیده است و موافقتنامه مذکور آماده امضای مقامات دو کشور می‌باشد. با این وجود، طبق این قاعده، ad referendum، طرفین می‌توانند نظرات اصلاحی خود را در هر زمان روی متن نهایی شده تا پیش از امضای مقامات ذیربط برای طرف دیگر ارسال نمایند و خواهان مذاکره مجدد شوند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

- هر یک از طرف‌های متعاهد طبق قوانین‌ومقررات خود و با حسن‌نیت پس از انجام همه تعهدات خود از قبیل پرداخت مالیات، بیمه‌های اجتماعی، حق‌بیمه و دیگر حقوق و عوارض دولتی توسط سرمایه‌گذاران طرف متعاهد دیگر اجازه خواهد داد که در مورد سرمایه‌گذاری‌های موضوع این موافقتنامه انتقالات به‌ویژه انتقالات زیر به‌صورت آزاد و بدون تأخیر به خارج از قلمرو آن انجام شود:

- عوایـــد
- مبالغ حاصل از فروش یا تصفیه تمام یا بخشی از سرمایه‌گذاری
- مبالغ پرداخت شده به‌موجب مواد (۵) و (۶) این موافقتنامه
- اقساط وام‌های مربوط به سرمایه‌گذاری مشروط به آنکه از محل سرمایه‌گذاری پرداخت شود.
- حقوق ماهیانه و دستمزدهای دریافتی توسط کارکنان طرف متعاهد سرمایه‌گذار که پروانه مرتبط با آن سرمایه‌گذاری را در قلمرو طرف متعاهدپذیر دارا باشد.
- وجوه پرداختی ناشی از تصمیم مرجع مذکور در ماده (۱۰) این موافقتنامه

علاوه بر این، بند "۱" ماده (۸) موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین جمهوری‌اسلامی ایران و کشور غنا در خصوص انتقالات آزاد اشعار می‌دارد:

هر یک از طرف‌های متعاهد، به سرمایه‌گذاران طرف متعاهد دیگر اجازه خواهد داد که به‌موجب این ماده انتقال آزاد وجوه مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها را به داخل و خارج از قلمرو خود انجام دهد. این انتقالات طبق قانون طرف متعاهد میزبان با رعایت انجام تعهدات مالی و بدون تأخیر غیرمنطقی انجام خواهد شد و شامل موارد زیر است:

- سرمایه اولیه و هر نوع سرمایه اضافی برای نگهداری، مدیریت و توسعه سرمایه‌گذاری
- عوایـــدمبالغ حاصل از فروش یا تصفیه تمام یا بخشی از سرمایه‌گذاری
- خسارت‌ها یا سایر پرداخت‌های مندرج در مواد (۶) و (۷) این موافقتنامه یا
- هر نوع پرداختی که می‌تواند به نفع سرمایه‌گذار، به‌موجب فصل سوم بخش نخست این موافقتنامه، انجام شده باشد.

در مورد تسویه مالیات بر شرکت‌ها اعم از سهامداران ایرانی یا خارجی به‌منظور انجام انتقالات مربوط به وجوه سرمایه‌گذاری این مسئله حقوقی در رابطه با حسابداری شرکت‌ها حائز اهمیت است که با فرض تداوم فعالیت شرکت، بدهی‌ها اعم از مالیاتی و غیرمالیاتی جزو حساب‌های دائمی مطرح می‌شوند که از سالی به سال آینده قابل انتقال هستند، مگر آنکه سرمایه شرکت از بین برود و کاهش سرمایه انجام پذیرد یا ورشکستگی صورت پذیرد. به این ترتیب، سهامداران دعوت می‌شوند و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

مجمع عمومی را به مبلغ سرمایه‌گذاری موجود کاهش می‌دهند. استثنا فقط در مورد انحلال و ورشکستگی است که به‌منظور تسویه باید یک مدیر تسویه تعیین شود. اموال را قیمت می‌گذارند، بدهی‌های بستکاران تسویه می‌شود و بدهی مالیاتی تسویه و مفاصا می‌گردد و باقیمانده دارایی‌ها بین سهامداران تقسیم می‌شود.[۱]

مقررات انتقال سرمایه از دیرباز بیانگر وجود تنشی خاص میان دو هدف گوناگون بوده است: از یک‌سو اعطای آزادی انتقال سرمایه به سرمایه‌گذاران و از سوی دیگر، ایجاد انعطاف کافی در کشورهای میزبان به‌منظور اداره هرچه صحیح‌تر سیاست‌های پولی و مالی خویش. از این‌رو در متن تعداد کثیری از موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری قوانینی وجود دارد که به سرمایه‌گذاران حق انتقال آنی سرمایه خویش به سایر ارزها با نرخ مبادلاتی معینی را می‌دهد. در این میان بسیاری از معاهدات سرمایه‌گذاری برای چنین مقرراتی استثنائاتی را در نظر گرفته‌اند.

محدوده انتقال سرمایه به داخل و خارج موضوعی است که به روش‌های مختلف در معاهدات پیش‌بینی شده است. گروهی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری شامل مفادی هستند که تنها انتقال سرمایه به خارج از کشور میزبان را پوشش می‌دهند. نظیر ماده (۶) معاهده منعقده میان لوکزامبورگ و چین در سال (۱۹۹۶)، "هر یک از طرفین می‌بایست حق انتقال اصل و سود سرمایه به خارج از کشور را برای دیگری محفوظ بدارد". گروه دوم معاهدات هر دو گونه انتقالات (انتقال به خارج و انتقال به داخل) را در بر می‌گیرد. نظیر ماده (۱۲) قرارداد منعقده میان ژاپن و ویتنام در سال (۲۰۰۳)، "هر یک از طرفین قرارداد می‌بایست برخورداری از حق انتقال فوری تمام پرداخت‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری به داخل یا خارج از کشور را به طرف مقابل اطمینان دهد". گروه سوم از قراردادها دارای مفاد صریحی برای تشریح انتقالات به داخل یا خارج از کشور نیستند، اما با کلی‌گویی این مسئله را طوری بیان می‌کنند که همان تأثیر را داشته باشد. برای درک بهتر، ماده (۶) قرارداد منعقده میان مالزی و عربستان صعودی در سال (۲۰۰۰) بیان می‌دارد "هر یک از طرفین می‌بایست به سرمایه‌گذاران طرف مقابل اطمینان دهد که پس از طی مراحل قانونی و پرداخت مالیات، حق انتقال اصل و سود سرمایه که در کشور طرف مقابل وجود دارد با استفاده از

۱. مراجعه شود به مفروضات حسابداری موضوع "فرض تداوم فعالیت شرکت" (فرض دوم از مفروضات محیطی حسابداری). در این شرایط، فرض براین قرار می‌گیرد که یک واحد اقتصادی برای یک مدت طولانی و قابل پیش‌بینی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. براین اساس دارایی‌ها و بدهی‌ها به جاری و بلندمدت تقسیم می‌شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

هرگونه ارز رایج برای ایشان محفوظ خواهد ماند". گروه دیگری از قراردادها از همین متون استفاده نموده‌اند، اما عنوان مقررات به‌کار گرفته‌شده در آن به بازگشت اصل و سود سرمایه به کشور متبوع سرمایه‌گذاران دلالت دارد. نظیر ماده "۱۷" قرارداد منعقده میان غنا و هند "هر یک از طرفین می‌بایست اجازه دهد تمام سرمایه طرف مقابل بدون هیچ تأخیر غیرمنطقی بر مبنایی غیر تبعیض‌آمیز و آزادانه از کشوری که در آن سرمایه‌گذاری انجام شده انتقال یابد".

۵-۲. حفظ حقوق طلبکاران

برخی دولت‌ها در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری (BITs) در رابطه با حفظ حقوق طلبکاران یا بستانکاران موضوع انتقالات وجوه مربوط به سرمایه‌گذاری محدودیت‌هایی را برای انتقالات سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران خارجی در قلمرو خود پیش‌بینی می‌نمایند. بند "۴" و "۵" ماده (۷) موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین جمهوری اسلامی ایران و سنگاپور[1] در خصوص انتقال آزاد که آشکارا محدودیت‌هایی را جهت حمایت از حقوق طلبکاران یا بستانکاران نشان می‌دهد، بیان می‌دارد:

- صرف‌نظر از بندهای "۱" تا "۳" این ماده یک طرف متعاهد می‌تواند از طریق اعمال عادلانه قوانین خود، به روش غیرتبعیض‌آمیز و با حسن‌نیت در موارد زیر از انتقال جلوگیری کند یا آن را به تأخیر اندازد:

- ورشکستگی، عسر و حرج یا حمایت از حقوق بستانکاران
- صدور، مبادله یا معامله اوراق بهادار، قراردادهای بیع سلف، حق خرید یا مشتقات
- تخلفات جزایی یا کیفری
- تهیه گزارش مالی یا ثبت اسناد انتقالات هرگاه برای کمک به اجرای قانون یا مراجع سیاستگذاری مالی ضروری باشد.
- اطمینان از اجرای آرا، قرارها یا احکام در رسیدگی‌های اداری یا قضایی
- تأمین‌اجتماعی، بازنشستگی دولتی یا طرح‌های پس‌انداز اجباری

- در صورت وجود یا خطر بروز مشکل جدی در تراز پرداخت‌ها یک طرف متعاهد می‌تواند به‌طور موقت انتقالات را محدود نماید، مشروط به اینکه طرف متعاهد مزبور اقدامات یا

---

۱. موافقتنامه تشویق وحمایت متقابل از سرمایه‌گذاری فیمابین جمهوری اسلامی ایران و سنگاپور در مرحله پاراف توسط طرفین قرار دارد. لازم به ذکر است پاراف مذکور قبلاً توسط اداره توافق‌های بین‌المللی ریاست جمهوری تأیید شده است. این موافقتنامه آماده امضای مقامات ذیربط دو کشور می‌باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

برنامه را طبق اساسنامه صندوق بین‌المللی پول اجرا کند. محدودیت‌های مذکور می‌بایست به‌طور عادلانه، به روش غیرتبعیض‌آمیز و با حسن‌نیت اعمال شود، نباید بیشتر از حدی باشد که برای تعدیل شرایط تراز پرداخت‌ها ضرورت دارد، نباید موجب زیان به منافع تجاری، اقتصادی و مالی طرف متعاهد دیگر شود و می‌بایست به‌تدریج و هماهنگ با بهبود شرایط حذف شود. این قبیل محدودیت‌های وضع شده یا هرگونه تغییر در آنها می‌بایست فوراً به اطلاع طرف متعاهد دیگر برسد. طرف متعاهد که این محدودیت‌ها را اعمال می‌نماید باید نسبت به انجام مذاکرات با طرف متعاهد دیگر برای بررسی محدودیت‌های وضع شده اقدام نماید.

اگرچه این امر از موضوعات بنیادین در رابطه با امور ورشکستگی است اما همانگونه که ذکر شد در برخی معاهدات دوجانبه، سرمایه‌گذاری از تعهدات مصرح طرفین در زمینه انتقالات مربوط به وجه سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌رود. با این وجود ماده (۳۲) آیین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در خصوص دعوت از بستانکاران بیان می‌دارد "آگهی مذکور در ماده (۲۴) قانون اداره تصفیه علاوه بر اینکه برای بستانکاران فرستاده می‌شود برای اشخاص زیر نیز ارسال خواهد شد".

- بخش‌های اجرای حوزه ورشکسته
- دادگاه‌هایی که دعاوی مربوط به ورشکسته نزد آنها مطرح است.
- بنگاه‌های بیمه که ورشکسته، قرارداد بیمه یا هر نوع بیمه دیگری که مؤثر در امر تجاری ورشکسته باشد با آنها منعقد نموده است.
- دادسرای مربوط اگر اعمال ولایت یا قیمومیت می‌نماید.
- دفتر املاکی که ورشکسته در حوزه آن دارای اموال غیرمنقول می‌باشد (دوانی، ۱۳۹۲).

در رابطه با انتقالات فرامرزی در چارچوب معاهدات، اجتناب از اخذ مالیات مضاعف، مکانیزم و مقررات خاص طبق قانون مالیات‌های شرکت‌های خارجی پیش‌بینی شده است. معاهدات اجتناب از اخذ مالیات مضاعف، سرمایه‌گذار خارجی در یکی از کشورها مالیات می‌دهد و این امر به نوبه خود به گسترش عدالت اجتماعی در سطح کلان و نیز به امر تشویق سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. در راستای گسترش عدالت مالیاتی میان مناطق در سطوح ملی و حذف تبعیض مالیاتی میان مناطق یک کشور به‌ویژه لزوم ایجاد تمرکز بودجه‌ای در درآمدهای به‌دست آمده، هماهنگ کردن ساختار مالیات‌ها درون مرزهای جغرافیایی کشورها تا حد زیادی به‌مثابه یک اصل کلی است. از این‌رو نظام‌های مالیاتی کشورها

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

(بجز در موارد پیگیری برخی سیاست‌های توسعه یا حمایتی منطقه‌ای در دوران خاص)، در عمل عامل بازدارنده‌ای در مسیر تحرک آزاد عوامل و منابع تولید درون مرزهای سیاسی و جغرافیایی خود نیستند. با این وجود، این ساختار متفاوت نظام‌های مالیاتی کشورها به‌طور بالقوه می‌تواند مانع مهمی برای آزادی تحرک بین‌المللی منابع محسوب شود و از طریق ایجاد انحراف در تخصیص بهینه منابع اقتصادی به کارایی اقتصادی منابع در سطح بین‌المللی خدشه وارد کند.

حفظ حقوق بستانکاران از موضوعاتی است که در جهان امروز معاملات نقش اساسی در زندگی بشر ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که حذف آنها از زندگی بشر امکان‌ناپذیر است. معاملات در معنای اعم عقود و ایقاعات را در بر می‌گیرد. در عقود و ایقاعات امکان دارد ملکیت شیء از شخصی به شخص دیگر انتقال یابد یا امکان دارد تعهدی را از ذمه شخصی بری سازند. انتقال ملکیت یکی از آثار بلامانع عقود و ایقاعاتی است که دارای اثر انتقال ملکیت می‌باشند، اما مسئله و مشکل در جایی به‌وجود می‌آید که شخصی برای فرار از دیون خود به عقود و ایقاعاتی که دارای اثر انتقال مالکیت می‌باشند تمسک جوید. در اینجاست که این بحث پیش می‌آید که آیا عقد و ایقاعی که برای فرار از دین منعقد شده باشند صحیح است یا خیر؟ اگر این عقود و ایقاعات را به‌طور کلی صحیح تلقی کنیم، به‌صورت ضمنی پذیرفته‌ایم که اشخاص برای فرار از دیون خود آزادی کامل دارند که در این صورت این نتیجه موجب از بین رفتن امنیت حقوقی و سستی اعتبار در روابط بازرگانی می‌شود و اگر شخص مدیون بتواند به اختیار پشتوانه بدهی‌های خود را با انتقال اموال خود از بین ببرد از یک سو زیانی ناروا به طلبکاران می‌رسد و از سوی دیگر امنیت داد و ستد و اعتماد اجتماعی را متزلزل می‌کند و اگر این معاملات را که به قصد فرار از دین واقع شده‌اند به‌صورت کلی باطل اعلام کنیم، حقوق طلبکاران به‌طور کامل رعایت می‌شود اما حقوق شخصی که بدون سوءنیت قبلی طرف معامله با شخص مدیون قرار گرفته است تضییع خواهد شد. بنابراین می‌بایست راهی را انتخاب کرد و حکمی را برای این گروه از معاملات برگزید که هم حقوق طلبکاران رعایت شود و اعتماد اجتماعی زایل نشود و هم حقوق اشخاصی که با فرد مدیون وارد معامله می‌شوند بدون دلیل ضایع نشود (وبلاگ حبیب‌زاده، ۱۳۹۳).

۵-۳. پرداخت بابت محکومیت‌های کیفری

در برخی از مواد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری (BITs) که ناظر بر انتقالات وجوه مربوط به سرمایه‌گذاری است، دولت‌ها محدودیت‌هایی را در رابطه با پرداخت بابت

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

محکومیت‌های کیفری اعمال می‌نمایند. بند "۴" ماده (۸) موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین جمهوری اسلامی ایران و کوبا [۱] در خصوص انتقال آزاد به موضوع تخلفات کیفری و اداری و پرداخت بابت محکومیت‌های کیفری عنوان می‌دارد:

- صرف‌نظر از بندهای "۱"، "۲" و "۳" این ماده، طرف‌های متعاهد می‌توانند محدودیت‌هایی را در رابطه با انتقال آزاد پرداخت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در هر یک از موارد زیر اعمال نمایند:

- تخلفات کیفری و اداری و نیز تضمین اجرای احکام به‌موجب رسیدگی‌های قضایی
- مشکلات جدی در رابطه با تراز پرداخت یا تهدیدی به این تراز پرداخت، مشروط به اینکه طرف متعاهد متأثر تدابیری یا برنامه‌ای را مطابق با استانداردهای شناخته‌شده بین‌المللی اعمال نماید.
- عدم تراز اساسی در فعالیت تبدیل یا سیاست‌های پولی توسط یک طرف متعاهد یا تهدیدی به این عدم تراز

در هر مورد، این محدودیت‌ها ظرف مدت محدود زمانی و از طریق اعمال عادلانه قانون خود، به روش غیرتبعیض‌آمیز و با حسن‌نیت انجام خواهد شد. بنابراین همانگونه که مشاهده می‌شود تخلفات کیفری و اداری و نیز تضمین اجرای احکام به‌موجب رسیدگی‌های قضایی نیز از محدودیت‌های انتقالات برای سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای میزبان محسوب می‌شود که در برخی معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری پیش‌بینی می‌شود.

۶. آثار و پیامدهای ناشی از اعمال شرایط و محدودیت‌های ناشی از انتقالات ارزی

موضوع سلب اعتماد برای توسعه سرمایه‌گذاری موجود و انجام سرمایه‌گذاری جدید به‌طور عمده در رابطه با آثار و پیامدهای ناشی از اعمال شرایط و محدودیت‌های ناشی از انتقالات ارزی است. سلب مالکیت که نماد آشکار آن سلب اعتماد برای انجام سرمایه‌گذاری مجدد در کشور میزبان است از دو جنبه قابل تحلیل و بررسی است. نخست آنکه هرگونه تخلف بین‌المللی یک دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌گردد و خطای بین‌المللی عبارت از هرگونه فعل یا ترک فعلی است که در نقض تعهدات بین‌المللی

۱. موافقتنامه تشویق وحمایت متقابل از سرمایه‌گذاری فیمابین جمهوری اسلامی ایران و کوبا در مرحله پاراف توسط طرفین قرار دارد. لازم به ذکر است پاراف مذکور قبلاً توسط اداره توافق‌های بین‌المللی ریاست جمهوری تأیید شده است. این موافقتنامه آماده امضای مقامات ذیربط دو کشور می‌باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

دولت صورت پذیرد. بنابراین، دراینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا اقدام سلب مالکیت توسط دولت‌ها، از نظر حقوق بین‌الملل عملی مشروع است یا نامشروع؟ در برخی موارد ممکن است این ایراد مطرح شود که چون حقوق بین‌الملل اصل تکلیف به غرامت را به رسمیت شناخته و به‌موجب این قاعده دولت سالب مالکیت ملزم به پرداخت غرامت می‌باشد، صرف عدم پرداخت به‌منزله خطای بین‌المللی بوده و این اقدام از مصادیق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها محسوب می‌شود. در پاسخ به این ایراد گفته می‌شود درست است که اگر دولت مصادره‌کننده غرامت لازم را به مالک ید شده نپردازد موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت در برابر دولت متبوع بیگانه می‌شود، اما این امر سبب نمی‌شود که خود اقدام سلب مالکیت وصف قانونی بودنش را از دست داده و از قواعد حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تبعیت نماید. بلکه مسئله سلب مالکیت و تکلیف به پرداخت غرامت دو مسئله جداگانه هستند.

موضوع دوم تضمین سرمایه‌گذاران در مقابل خطر سلب مالکیت به‌منظور حفظ اعتبار و منزلت دولت در مراودات سرمایه‌گذاری خارجی است. اگر این امر محقق نشود یا کشور از سرمایه‌گذاری خارجی محروم می‌شود و یا دولت بهای سنگین‌تری را برای حضور مجدد سرمایه‌گذاران خارجی پرداخت می‌کند. آنچه در اینجا حائز اهمیت است این است که تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بر مبنای دو عنصر "ریسک سرمایه‌گذاری" و "بازده سرمایه‌گذاری" اتخاذ می‌شوند. قوانین و مقررات، نهادهای حقوقی، ساختار اداری و به‌طور کلی سیستم حقوقی حاکم بر یک کشور می‌توانند تأثیر مثبت یا منفی روی ارزیابی سرمایه‌گذار از ریسک‌های موجود در یک کشور و بازده سرمایه‌گذاری داشته باشند. چنانچه در اثر وجود سیستم حقوقی ناکارامد، سرمایه‌گذار ارزیابی منفی نسبت به میزان ریسک یا بازده سرمایه‌گذاری داشته باشد ممکن است یا از سرمایه‌گذاری در آن کشور منصرف شود و یا ساختار سرمایه‌گذاری خود را به‌نحوی تغییر دهد که با ایجاد بازده بالاتر ریسک‌های احتمالی پوشش داده شود. نتیجه این دو واکنش آن است که یا کشور از سرمایه‌گذاری خارجی محروم می‌شود و یا بهای سنگین‌تری را برای حضور سرمایه‌گذار خارجی پرداخت می‌کند (میرویسی، ۱۳۹۳).

در سطح داخلی نیز عدم وجود مقررات حقوقی و قضائی مناسب و قابل اجرا در خصوص سرمایه‌گذاری نه‌تنها انگیزه سرمایه‌گذاری را تحریک نمی‌نماید بلکه ممکن است منابع سرمایه‌ای را به‌دلیل اقدامات و سیاستگذاری‌های دولت که می‌تواند تأثیر غیرمستقیم بر سرمایه‌گذاری انجام شده داشته باشد –که مصادره غیرمستقیم یا خزنده نامیده می‌شود–

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

به خارج از قلمرو آن کشور یا به سوی فعالیت‌های غیر تولیدی سوق دهد. بارها مشاهده شده است در حالی که مقررات حقوقی و قضائی لازم در کشور وجود دارد اما گاهی به‌دلایل فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و مانند آن قابلیت اجرا ندارند. همین امر موجب می‌گردد که اعتماد صاحبان سرمایه به سرمایه‌گذاری در کشور در پروژه‌های بلندمدت کاهش یافته و البته برگرداندن دوباره چنین اعتمادی کاری بس دشوار خواهد بود (رحیمی‌بروجردی، ۱۳۷۳).

۷. نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن این مسئله که سرمایه‌گذاری مستلزم امنیت و داشتن تضمین حقوقی برای حفظ و حمایت از دارایی‌ها است و در غیاب یک معاهده یا موافقتنامه بین‌المللی جهت تضمین سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران خارجی اصولاً رغبتی به سرمایه‌گذاری نشان نمی‌دهند و وجود قوانین و مقررات متعدد داخلی نیز تضمین کافی برای سرمایه‌گذاری به‌شمار نمی‌رود، موافقتنامه بین‌المللی از آنجا که واجد ضمانت حقوقی است به سرمایه‌گذاران خارجی این اطمینان‌خاطر را می‌دهد که سرمایه آنها در هر صورت محفوظ و در صورت رویداد هرگونه خطر غیرتجاری خسارت وارده طبق موافقتنامه جبران خواهد شد. از سوی دیگر اصولاً شرکت‌های بیمه بین‌المللی تمایلی به برقراری پوشش بیمه‌ای برای سرمایه‌گذاری در کشوری که فاقد موافقتنامه دوجانبه و چندجانبه سرمایه‌گذاری است ندارند و دلیل آن دشواری استیفای حقوق تضییع شده در این کشورها است. بنابراین با فقدان موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری خارجی بین دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی و دولت سرمایه‌پذیرشرکت‌های بیمه یا اصولاً از بیمه نمودن سرمایه‌گذاری در آن کشور امتناع می‌نمایند و یا با توجه به میزان ریسک سرمایه‌گذاری در آن کشور نرخ بالایی برای بیمه کردن سرمایه‌گذاری تعیین می‌کنند.

در خصوص شرایط و تشریفات انتقالات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی از مقایسه تطبیقی انتقالات ارزی در چارچوب قانون تشویق و حمایت سرمایه‌های خارجی (مصوب ۱۳۸۱) و قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی (مصوب ۱۳۳۴) نتایج ذیل به‌دست آمده است:

- طبق قانون مصوب ۱۳۸۱ هنگام خروج اصل سرمایه، سود سالانه و یا عایدات سرمایه‌ای محدودیتی از لحاظ ارز مورد تقاضا وجود ندارد. بر اساس قانون مصوب ۱۳۳۴

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

سرمایه‌گذار خارجی مجاز بود انتقالات ارزی خود را تنها به همان ارزی که سرمایه را وارد کشور نموده بود انجام دهد.

- بر اساس قانون مصوب ۱۳۸۱، ۱۰۰ درصد اصل سرمایه خارجی و منافع آن یا آنچه از اصل سرمایه در کشور باقی‌مانده باشد پس از طی تشریفات قانونی قابل انتقال به خارج است، در حالی‌که بر اساس قانون مصوب ۱۳۳۴ سرمایه‌گذار خارجی موظف بوده است به مدت ۶ ماه از تاریخ خروج سرمایه حداقل ۱۰ درصد از سرمایه اولیه را برای تأمین تعهدات احتمالی خود در ایران نگهدارد.

- در قانون مصوب ۱۳۳۴ مهلت خروج سرمایه قابل انتقال حداکثر ۳ ماه بود (مگر اینکه میزان سرمایه‌هایی که خارج می‌شود به‌قدری زیاد باشد که به‌نظر هیئت موجب اشکالات ارزی باشد و در این صورت نیز نباید میزان انتقال در هر سال از ۳۰ درصد سرمایه کمتر باشد)؛ در حالی‌که این مهلت در قانون مصوب ۱۳۸۱ به ۶ ماه افزایش یافته است.

- در قانون مصوب ۱۳۳۴ درآمد حاصل از ترقی قیمت‌ها هنگام فروش سرمایه غیرنقدی قابل تبدیل به ارز نیست و اینگونه درآمدها لزوماً از محل صادرات کالاهای ایرانی قابل انتقال می‌باشند. در قانون مصوب ۱۳۸۱ این محدودیت وجود ندارد.

- در قانون مصوب ۱۳۳۴ در مبحث انتقال سود سالیانه، استثنایی برای مواقعی که دولت با مضیقه ارزی مواجه باشد پیش‌بینی شده است. این پیش‌بینی در قانون مصوب ۱۳۸۱ وجود ندارد.

در مورد اینکه تأمین ارز مربوط به انتقالات سرمایه‌ای بر اساس چه نرخی صورت می‌گیرد؟ با توجه به نوسانات شدید نرخ ارز در ایران ماده (۱۲) قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ایران نیز به موضوع اشاره دارد "نرخ ارز مورد عمل به هنگام ورود یا خروج سرمایه خارجی و همچنین کلیه انتقالات ارزی در صورت تک‌نرخی بودن ارز همان نرخ رایج در شبکه رسمی کشور و در غیر این‌صورت نرخ آزاد روز به تشخیص بانک مرکزی جمهوری‌اسلامی‌ایران ملاک خواهد بود". علاوه بر این، می‌بایست متذکر شد که حق انتقال آزاد سرمایه باید در تعامل با دیگر شروط و قوانین حاکم بر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری تفسیر گردد. بسیاری از معاهدات دارای استثنائات مختلفی در باب نقل و انتقالات می‌باشند. گروهی از معاهدات به این موضوع اشاره داشته که قوانین نقل و انتقالات، مانع تبعیت طرفین قرارداد از دیگر قوانین و اقدامات مربوطه نظیر ورشکستگی، تجارت در بورس، جرایم کیفری و تبعیت از تصمیمات هیئت‌های حل اختلاف نخواهد بود. گروه

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

دیگری از استثنائات دربرگیرنده مسائلی است که با هدف حفظ و حراست از انعطاف کشورها در زمینه اداره هرچه صحیح‌تر سیاست‌های پولی و مالی خود ارائه می‌گردند.

در خصوص نقش آزادی انتقالات ارزی در تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب BITs ایران با سایر کشورها تحلیل آن است که از یک‌سو سرمایه‌گذار خارجی چه‌بسا با احتیاط و اکراه در فضای رقابتی جذب سرمایه (میزبان، سرمایه‌پذیر) وارد می‌شود و به همین جهت سرمایه‌گذاری، نیاز به تشویق و انتقال اصل و سود آن نیاز به تضمین دارد زیرا ویژگی مهم سرمایه‌گذاری انتقال سرمایه است. سرمایه‌گذاری بین‌المللی را به انتقال سرمایه از کشوری به کشور دیگر و یا به تعبیری انتقال سرمایه‌ها در صحنه جهانی تعبیر کرده‌اند. از سوی دیگر در هر سرمایه‌گذاری مقررات وضع شده پیرامون انتقال سرمایه از اهمیت ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاران خارجی برخوردار است، از این‌رو که کشورها انتقال دوره‌ای اصل و سود سرمایه و دیگر پرداخت‌ها را به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در سرمایه‌گذاری خود محسوب می‌دارند. با این‌حال در جریان رو به رشد اقتصاد بین‌المللی مشترک، کشورها می‌بایست قادر به تنظیم متناسب خروج و ورود سرمایه به اقتصاد خویش باشند. اقتصاد برخی از کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، می‌توانند در برابر تزریق ناگهانی حجم بالای سرمایه به اقتصاد همچون خروج بی‌رویه سرمایه از کشور آسیب‌پذیر باشد. به‌این ترتیب، مقررات انتقال سرمایه از دیرباز بیانگر وجود تنشی خاص میان دو هدف گوناگون بوده است: از یک سو اعطای آزادی انتقال سرمایه به سرمایه‌گذاران و از سوی دیگر، ایجاد انعطاف کافی در کشورهای میزبان به‌منظور اداره هر چه صحیح‌تر سیاست‌های پولی و مالی خویش. از این‌رو تعداد کثیری از موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری در متن خود قوانینی را جای داده که به سرمایه‌گذاران حق انتقال آنی سرمایه خویش به سایر ارزها را با نرخ مبادلاتی معینی می‌دهد. در این میان بسیاری از معاهدات سرمایه‌گذاری برای چنین مقرراتی استثنائاتی را در نظر گرفته‌اند.

علاوه بر این، وجه بارز انتقال سرمایه، انتقال ارز است. این مقاله همچنین به بررسی محدودیت‌های مقرر مانند لزوم تسویه مالیاتی، حفظ حقوق طلبکاران، پرداخت بابت محکومیت‌های کیفری، محدودیت در کسب ارز ناشی از بازگشت سرمایه به‌منظور انجام انتقالات در چارچوب B.I.Ts منعقده بین ایران و سایر کشورها پرداخته و نتیجه بررسی انجام شده آن است که در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفقیت نسبی داشته‌ایم. در موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری نیز مشاهده می‌شود که در ماده مربوط به انتقالات و بازگشت سرمایه،

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

مـواردی کـه قابلیـت انتقـال دارد پـیش‌بینـی شـده و طبـق ایـن موافقتنامـه‌هـا مـوارد برخـوردار از قابلیـت انتقـال ماننـد عوایـد، اصـل سـرمایه و سـود حاصـل از آن و ... بـر اسـاس اصـلاحاتی کـه قـوانین و مقـررات قـانون تـشویق و حمایـت سـرمایه‌گـذاری بـه‌ویـژه مـاده‌هـای (۲۳) و (۲۴) آیـین‌نامـه اجرایـی آن انجـام شـده، قابلیـت انتقـال دارد و هـرچـه در یـک موافقتنامـه شـرایط مناسـب و بـه‌گونـه‌ای باشـد کـه آزادی بیـشتری وجـود داشـته باشـد مـی‌تـوان نتیجـه گرفـت کـه سـرمایه‌گـذاری خـارجی در آن کـشور تـشویق و جـذب مـی‌گـردد و بـه نفـع سـرمایه‌گـذاران خـارجی در کـشور میزبـان اسـت و فرضـیه نیـز اینگونـه اثبـات شـد؛ زمـانی‌کـه شـرایط در کـشوری بـرای سـرمایه‌گـذاری خـارجی مناسـب باشـد و سـرمایه‌گـذاران بـا اطمینـان خـاطر بیـشتری در آن کـشور بـه سـرمایه‌گـذاری بپردازنـد و محـدودیت‌هـایی ماننـد الـزام تـسویه مالیـات، حفـظ حقـوق طلبکاران و سایر محدودیت‌هـایی کـه ممکـن اسـت در یـک کـشور بـرای سـرمایه‌گـذار وجـود داشـته باشـد کمتـر باشـد و سـرمایه‌گـذاران دارای آزادی عمـل بیـشتری باشـند سـرمایه‌گـذاری جـذب مـی‌شـود و هنگـامی کـه انتقـالات ارزی بـا آزادی بیـشتری صـورت گیـرد سـرمایه‌گـذاری خـارجی بیـشتری هـم جـذب خواهـد شـد و بـالعکس محـدودیت‌هـای انـتقلات ارزی موجـب افـزایش ریـسک سـرمایه‌گـذار خـارجی شـده و میـزان آن را کـاهش مـی‌دهـد. گرچـه آزادی انتقـالات ارزی یکـی از عوامـل مهـم تـشویق سـرمایه‌گـذاری خـارجی اسـت، امـا BITs ایـران بـا سـایر کـشورها ظرفیـت حقـوقی یکـسانی را درایـن رابطـه ایجـاد نمـی‌کنـد و تـابعی اسـت از ایـن عوامـل کـه کشور طرف B.I.T بـا ایـران توسعه‌یافتـه باشـد یـا در حـال توسـعه واینکـه ایـران بـا کـشور طـرف قـرارداد سـرمایه‌فرسـت یـا سـرمایه‌پـذیر باشـد، بنـابراین پـذیرش آزادی انتقـالات ارزی و شـرایط آن در هر BIT بـا BIT دیگـر متفـاوت اسـت (از حیـث میـزان ارز قابـل انتقـال، زمـان انتقـال، نـرخ ارز یـا مبادلـه آن) با بیان مواردی ماننـد قـانون جلـب و حمایـت سـرمایه‌هـای خـارجی کـه تبیین‌کننـده همـه جوانـب و البتـه از شـفافیت لازم در خـصوص مـسائل مختلـف بـرای سـرمایه‌گـذاری خـارجی و تـسهیلات مربوطـه برخـوردار نمـی‌باشـد و بـه‌رغـم وجـود برخـی نکـات مثبـت فاقـد برخـی مـواد ضـروری و پیش‌بینی‌های لازم بوده اسـت. بـازار سـرمایه نیـز در ایـران بـه دلایـل متعـدد جایگـاه مناسـب و شایـسته خود را در تأمین مالی سـرمایه‌گـذاری‌هـا نـدارد و در صـورت بـی‌تـوجهی بـه ایـن بخـش، نبایـد انتظـار داشـته باشـیم سیاسـت‌هـای کلـی اصـل ۴۴ قـانون اساسـی بـه‌درسـتی اجـرا شـوند. بـر ایـن اسـاس بایـد توجـه داشـت آزادی انتقـال ارز بـا ورود سـرمایه‌گـذاری خـارجی رابطـه مـستقیم دارد و محـدودیت در آن نیز با ورود سرمایه رابطه متقابل دارد و این امر به اثبات رسیده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

لازم به یادآوری است در کلیه موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی حمایت‌های حقوقی از سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران در رابطه با جریان حرکت آزاد سرمایه پیش‌بینی شده است. مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- تعریف روشن و دقیق از سرمایه‌گذاری، مستثنا کردن اشکال انتزاعی سرمایه‌گذاری و اطمینان از اموال مادی و غیرمادی

- انتقالات سرمایه‌گذاری و عدم تبعیض از جمله عدم درج شروطی نظیر عبارت "در شرایط مشابه"، ارزیابی شرط فراگیر (UmbrellaClause)؛ یعنی پوشش سایر قوانین و مقررات برای انجام سرمایه‌گذاری و همچنین انعطاف‌پذیری‌هایی در خصوص شرط کامله‌الوداد به‌منظور برخورداری از بهترین رفتار

- رفتار منصفانه و عادلانه بر مبنای حقوق بین‌الملل عرفی

- حمایت در مقابل مصادره مستقیم و غیرمستقیم با توازن دقیق بین اهداف رفاه عمومی و منافع خصوصی

- توجه به وضع قانون و شامل نمودن استانداردهای امنیتی، اجتماعی و زیست‌محیطی

در این بین به‌نظر می‌رسد فرایند درصدد تغییراتی جهت سوق دادن رژیم انتقالات به‌سمت شفافیت بیشتر و آزادنه‌تر در موافقتنامه سرمایه‌گذاری بین‌المللی باشد. علاوه‌براین، در سطح اقدامات کشورها می‌بایست ذکر شود که به میزان ۷۵ درصد از اقدامات سیاستگذارانه ملی در سطح بین‌المللی در خصوص آزادسازی انتقالات مربوط به سرمایه‌گذاری و تشویق سرمایه‌گذاری بوده است. به‌ویژه بسیاری از کشورها در آسیا و اروپا، سیاست‌های جدید تشویق سرمایه‌گذاری وضع نموده‌اند نظیر ساده‌سازی فرایندهای سرمایه‌گذاری، ارتقای حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و آسان‌تر نمودن مقررات مبادلات ارزی خارجی. لازم به ذکر است تشدید بحران مالی و اقتصادی در مناطقی از جهان اگرچه هنوز هم بر سیاستگذاری‌های سرمایه‌گذاری ملی تأثیر گذاشته است، اما همچنان نگرانی از شوک‌های احتمالی کلان اقتصادی عمده و تأثیر آن بر ورود و خروج سرمایه‌گذاری و انتقالات و نیز بازگشت رکود می‌تواند ریسک اقدامات حمایت‌گرایانه جدید را در مقابل سرمایه‌گذاری‌های خارجی افزایش دهد (آنکتاد، ۲۰۱۳).

در هرصورت، می‌بایست توجه داشت جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش حجم و تنوع صادرات و در نتیجه افزایش قابلیت رقابت صادرات، هدف نهایی نیست بلکه وسیله‌ای است برای نیل به هدف مهم‌تر یعنی توسعه کشور. بنابراین سیاست جلب سرمایه می‌بایست معطوف به جلب سرمایه‌هایی باشد که مکمل استراتژی توسعه کشور باشند. به‌نظر می‌رسد که اولویت‌های سرمایه‌گذاری در ایران باید به بخش‌هایی که مزیت نسبی دارند معطوف شود که از نظر ورود فناوری و طرح‌های جدید به کشور و رشد صنعت، مزیت نسبی اقتصادی داشته باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]

منابع

بشارت، حجت (۱۳۸۹)، *فرهنگ حقوقی معاصر*، انتشارات فرهنگ معاصر.

بی‌تا، بی‌نام (۱۳۶۶)، "آشنایی با مفاهیم اقتصادی"، *مجله جهاد*، شماره ۱۰۵، ص ۴۴.

دوانی، غلامحسین (۱۳۹۲)، *مجموعه قوانین تجارت با آخرین اصلاحات قانون تجارت*، تهران: انتشارات کیومرث.

رحیمی‌بروجردی، علیرضا (۱۳۷۳)، *بررسی عوامل تأثیرگذار بر تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری: تخمین ICOR در اقتصاد ایران*، کتابچه مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران: مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی.

شاکری، عباس (۱۳۹۱)، *اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها*، انتشارات رافع، چاپ سوم، جلد اول.

فرجی، یوسف (۱۳۹۰)، *پول ارز و بانکداری*، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ پانزدهم.

میرویسی، علیرضا (۱۳۹۳)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، تهران: انتشارات پریس، چاپ اول.

Bishop, Paul & Dixon Don (1992), *Managing Risk and Opportunity in Foreign Exchange Hand book, Mc Graw-hill*, International Edition, Business Series, 5th Edition.

Investment Policy Monitor *(2013),* United Nations Conference on Trade and Development, *Investment Policy Monitor*, June 9.

Mishkin, Frederic S. (2004), *The Economic of Money, Banking and Financial Markets*, Columbia University (The Addison-Wesly Series in Economics).

World Investment Report (2014), Transnational Corporations, Market Structure and Competition Policy, New York and Geneva.

www. Habibzadehmajid. Blogfa. Com/visit: 1393/5/10.

www.unctadxi.Org (2000), Transfer of Funds, "On issues in International Investment Agreements", United Nations Conference on Trade and Development, United Nations, New York and Geneva, visit: 1393/7/15.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-30]